

هو العليم

استحباب زیارة امام رضا عليه

السلام در ماه رجب

حضرت علامه آیت الله حاج

سید محمد حسین حسینی طهرانی

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلّى الله على سيّدنا محمّد وآله

الطيبين الطاهرين

و لعنة الله على أعدائهم أجمعين من

الآن إلى قيام يوم الدين

و لا حول ولا قوّة إلّا بالله العليّ

العظيم

از جمله اعمال مستحبی که بر
انجام آن در ماه رجب تاکید بسیار
شده است زیارت امام رضا علیه
السلام می باشد. و در بسیاری از
روایات ، زیارت آن حضرت در ماه
رجب بمنزله زیارت بیت الله الحرام
به حساب آمده است. مر حوم
علامه طهرانی بحث جامعی را در
ارتباط با این مساله در کتاب شریف

روح مجرد نموده اند که در ذیل
ارائه می گردد:

**رابطه میان زیارت
آنحضرت و زیارت خانه خدا در ماه
رجب المرجب**

**روایت امام محمد تقی درباره
افضلیت زیارت امام رضا بر حج
غیر از حج الاسلام**

در «کافی» ج 4، فروع، کتاب الحجّ
و المزار، در باب فضل زیارت
أبي الحسن الرضا عليه السلام،
ص 584 روایت کرده است که:

أبو عَلِيٍّ الأشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
سَيْفٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ
رَجُلٍ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ، فَدَخَلَ

مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ
اللَّهُ عَلَى عُمْرَتِهِ وَحَجِّهِ، ثُمَّ أَتَى
الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفًا
بِحَقِّكَ؛ يَعْلَمُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ،
فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ
عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَغْدَادَ وَسَلَّمَ عَلَى
أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ،

ثُمَّ انصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ فِي
وَقْتِ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ الْحَجَّ؛ فَأَيُّهُمَا
أَفْضَلُ: هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حِجَّةَ
الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ أَيْضًا فَيَحُجُّ، أَوْ يَخْرُجُ
إِلَى خُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيِّ بْنِ
مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُسَلِّمُ
عَلَيْهِ؟!

قَالَ: [لَا] بَلْ يَأْتِي خُرَاسَانَ
فَيُسَلِّمُ عَلِيَّ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ أَفْضَلُ؛ وَلَيْكُنْ ذَلِكَ فِي

رَجَبٍ؛ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَفْعَلُوا [فِي]
هَذَا الْيَوْمِ؛ فَإِنَّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ مِنْ
السُّلْطَانِ شُنْعَةً.

«روایت میکند ابوعلی اشعری از
حَسَن بن علی کوفیّ از حسین
بن سَیْف از محمّد بن أسلم از
محمّد بن سلیمان که گفت:

من از حضرت أبوجعفر امام محمّد
تقیّ علیه السّلام پرسیدم راجع به
مردی که حِجَّة الإسلام خود را

انجام داده بود متمتّعاً با عمره،
یعنی حجّ تمتّع بجای آورده بود، و
خداوند وی را کمک نموده بود تا
اینکه آنها را صحیحاً بجای آورد؛ و
پس از آن به مدینه آمده بود و
زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و
آله وسلّم را بجای آورده بود، و
سپس با معرفت به حقّ تو و به
اینکه تو حجّت خداوند در روی زمین
هستی و در خدا می‌باشی که

باید از آن در وارد شد، به سوي تو
آمده بود و تو را زیارت نموده و بر تو
سلام داده بود. و پس از آن
به سوي حضرت ابا عبدالله الحسین
صلوات الله علیه آمده و بر آنحضرت
سلام داده، و سپس به بغداد رفته
و بر حضرت ابوالحسن موسی
علیه السلام سلام داده و زیارت
نموده، و پس از آن به سوي شهر
خود مراجعت نموده است. اینک که

موسم حجّ فرا رسیده است، او
متمکن از حجّ میباشد، بفرمائید:
برای او با این کیفیتي که ذکر شد
که حِجَّة الاسلام خود را انجام داده
است، آیا باز حجّ بیتالله الحرام
برای او افضل است، یا اینکه به
سوی خراسان برود و بر پدرت
علیّ بن موسی علیهما السلام
سلام کند؟!

حضرت فرمود: نه! بلکه به خراسان
رود و بر حضرت ابوالحسن
عليه السلام سلام کند البتّه آن
افضل است؛ وليکن بايد زيارت و
سلامش در ماه رجب باشد. و
سزاوار نيست که زيارت آن حضرت
را در امروز بجاي آوريد؛ زيرا سلطان
وقت اين عمل را براي ما و براي
شما قبيح و ناپسند مي‌شمرد.»

این روایت مبارکه را با سند صحیح
دیگری شیخ الطائفة المقدم
متوفی در سنه 367 ابوالقاسم
جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب
نفیس و معتبر «کامل الزیارات»
باب 101: ثواب زیارة ابي الحسن
علي بن موسی الرضا علیه
السلام بطوس، ص 305 از پدرش و
از محمد بن حسن و علي بن
حسین جمیعاً از سعد بن عبدالله

بن أبي خلف از حسن بن عليّ بن
عبدالله بن مغيرة از حسين بن
سيف بن عميرة از محمد بن أسلم
جبليّ از محمد بن سليمان روايت
ميكند كه: از حضرت أباجعفر
عليه السلام پرسيدم... آنگاه روايت
را به عين عباراتي كه ما از
«كافي» آورديم روايت ميكند. مگر
اينكه علامه شيخ عبدالحسين

أُمِينِي (ره) در تعلیقهُ خود در ذیل
کتاب میفرماید:

عبارت تُمَّ أَتَاكَ به همین گونه در
نسخه‌های کتاب آمده است، و
مشهدی در «مزار کبیر» با اسناد
خودش نیز به همین طریقی که در
کتاب آمده است روایت کرده است؛
و شیخ صدوق هم با همین سند
روایت نموده است ولیکن بجای
قوله: تُمَّ أَتَاكَ - إِلَيَّ قَوْلِهِ: تُمَّ

أَتَى أَوْرَدَهُ اسْت: ثُمَّ أَتَى أَبَاكَ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا
بِحَقِّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَي
خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ،
فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَى - إلخ؛ و أَنْ
روایت صدوق أقرب به صواب است.

مراد از «هَذَا

الْيَوْمِ» در روایت محمد بن

سليمان

در تفسیر ذیل این حدیث مبارک، دو
وجه به نظر میرسد:

اوّل آنکه: مراد از **هَذَا الْيَوْمِ** زمان
خلافت خلیفه جائر زمان بوده
باشد؛ و بنابراین، مفاد حدیث چنین
می‌شود: باید زیارت در ماه رجب
بوده باشد، و سزاوار نیست در این
زمان و در این دوره که بر ما و شما
از سلطان وقت خوف تشنیع

هست بجای آورید، بلکه صبر کنید
تا این دوره سپری شود و در آن
وقت در ماه رجب مشرف شوید و
زیارت کنید.

و اشکالی که به این احتمال وارد
می‌شود آنستکه: شاید تا چندین
سال بعد از این، این خلافت جائزه
سپری نشود و این دوره به پایان
نرسد؛ پس چرا حضرت جواد الائمه
آن مرد را از حجّ در موسم خود منع

فرموده با آنکه بنا به فرض، تمکن از
زیارت حضرت علیّ بن موسی
الرّضا را ندارد؟!

دوم آنکه: مراد از **هَذَا الْيَوْمِ**، یوم
حجّ و موسم حجّ باشد؛ و بنابراین
حضرت میفرمایند: این شخص که
موسم حجّ رسیده و امر دائر است
بر اینکه یا حجّ کند یا زیارت پدرم را،
و زیارت مقدّم است، در ایّام حجّ و
موسم حجّ به خراسان نرود و

زیارت نکند زیرا خلیفه میگوید: اینان حجّ خود را زیارت قبر حضرت امام رضا قرار داده‌اند. و در موسم حجّ که مشهود است تمام زائرین بیت‌الله الحرام از اوطان خود خارج و به سوی مکه میروند، معلوم است که اگر کسی به سمت خراسان و برای زیارت سفر کند این سفر چشمگیر مشخص خواهد شد و خلیفه میگوید: اینان از عمل حجّ با

چنین و چنان اَهْمِيَّتْ اِعرَاضِ نَمودِه
و محلِّي ديگر که قبر امامشان
است، بدانسوي قصد مي‌کنند و
حَجِّمي‌کنند. پس در موسم حجّ به
زيارت نرويد و صبر کنید در زماني
که از نقطه نظر تدریج زمان در
مقابل موسم حجّ قرار دارد و آن،
ماه رجب است که در ضمن داراي
شرف و فضيلت و شهرالله الاصبّ
است زيارت کنید تا اين احتمال

تشنیع از شما برداشته شود. در
اینصورت، زیارت کرده‌اید و سلطان
را نیز نسبت به خود در شكّ و
شبهه نینداخته‌اید!

و این وجه از احتمال بسیار خوب
است و اشکالی ندارد. مضافاً به
آنکه در زیارت حضرت امام رضا در
موسم حجّ به بیان مقدّم خوف
تشنیع هست نه مطلق زیارت
گرچه در ماه رجب باشد؛ چون

زیارت ائمه عليهم السلام بطور
مطلق در آن زمانها رائج و دارج
بوده، و شیعیان به زیارت قبور ائمه
خود معروف بوده‌اند.

باري، علي أَيِّ الاحتمالين عبارت
روایت، لفظ رجب است بالجيم
المُعْجَمَة؛ ولي یکی از دوستان:
جناب آية الله آقاي حاج سيد
موسي شُبَيْرِي زنجاني دامت
برکاته گفتند: در نسخه «کافي»

که به تصحیح مرحوم آیه الله شهید
حاجّ شیخ فضل الله نوری اعلی الله
مقامه الشّریف طبع شده است،
رجب را بالحاء المّهمله ضبط
کرده اند و يك نفر از آیات عظام
دامت برکاتهم که کتابی در باب
زیارت حضرت امام رضا علیه السّلام
نوشته اند، این ضبط را ترجیح داده
و گفته اند که: عبارت رَحَب است،
یعنی باید زیارت را در سِعه بجای

آورید، و در این زمان که زمان شدّت
و ضیق است خودداری کنید چون
از سلطان خوف تشنیع است. و
بنابراین زیارت حضرت ثامن الائمه
علیه السلام در ماه رجب

خصوصیتی ندارد؛ چون مناطِ توهم
خصوصیت، فقط همین روایت
است؛ و بعد از آنکه معلوم شد
عبارت روایت رَحْب است نه رجب
این مناط برچیده میشود.

اشکالات وارده در احتمال ضبط «رَحْب» در روایت بجای «رَجَب»

أقول: بر این احتمال، یعنی احتمال
ضبط رَحْب بالحاء المهملة وجوهي
از ایراد و اشکال است:

أولاً: مرحوم محدّث و علامه
مجلسي در «بحار الانوار» این

حدیث را از کتاب «عیون أخبار
الرضا» با سند دیگر از ابن المَغیرَة
عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
سَيِّفٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ مِنْهُ، وَ
دَرَّ أَنْ لَفْظَ رَجَبٍ بِالْجِيمِ الْمَعْجَمَةِ
مَضْبُوطٌ اسْت. [1]

و در آخر این باب فرموده است: و
قد مرَّ استِحْبَابُ كَوْنِهَا فِي رَجَبٍ. [1]

[2]

و ثانياً: مرحوم مجلسی در «تحفة
الزائر» رَجَب ضبط فرموده چون در
این کتاب در ضمن ترجمه این
حدیث شریف گوید: و باید که در
ماه رَجَب باشد، و در این زمان
مکنید که بر ما و شما از خلیفه
خوف تشنیع هست. [3]

و مرحوم محدث قمی در «هدیة
الزائرین» عین همین ترجمه
مجلسی را در این فقره از حدیث
آورده است. [4]

و ثالثاً: ابن قولویه در «کامل
الزیارات» با سند متصل خود از
پدرش و محمد بن الحسن و علی
بن الحسین جمیعاً از سعد بن
عبدالله بن ابي خلف از حسن بن
علی بن عبدالله بن المغیره از

حسین بن سیف بن عُمَیرَة از
محمّد بن أسلمّ جبلی از محمّد بن
سلیمان از حضرت أبي جعفر الجواد
علیه السلام عین این روایت را با
لفظ رجب با جیم معجمه روایت
کرده است. [5]

و در «وسائل الشّیعة» بابی را به
عنوان استحباب اختیار زیارة الرّضا
علیه السلام و خصوصاً فی رجب
منعقد نموده است. [6]

و رابعاً: مرحوم شیخ فضل‌الله
نوری در این حدیث شریف ضبط
رجب را به حاء مهمله نفرموده
است و تصریحی بر مادّة رَحْب
ندارد و فقط چنانچه در ص 326 از
جلد اوّل «فروع کافی» ملاحظه
می‌شود عبارت به لفظ رَحْب
نوشته شده است؛ بنابراین به چه
دلیل می‌توان گفت: این تصحیح آن
مرحوم است؟ بلکه به ظنّ قریب

به یقین در کتابت، کاتب نقطه جیم را نگذارده است.

و خامساً: اگر شك کنیم که در اصل رَحَب بوده یا رَجَب، أصالة عَدَمِ زیادةِ النُّقطةِ مُقَدِّمٌ علی أصالةِ عَدَمِ النَّقِیصَةِ؛ و بنابراین باید گفت رَجَب در نُسخ صحیح است نه رَحَب.

و سادساً: معنی رَحَب مناسب با مقام نیست، چون رحب به معنی

وسعت در مکان و محلّ است نه
هر سِعه‌ای. و از موارد استعمال آن
مشاهده می‌شود که پیوسته در
موارد سعه مکانی و محلّی از آن
استفاده می‌شود، و اگر احیاناً به
معنی مطلق سعه آید، باز به
عنایت استعمال لفظ خاصّ در
معنی مطلق آن است.

در «*لسان العرب*» گوید: وَ
الرَّحْبُ بِالْفَتْحِ وَ الرَّحِيبُ: الشَّيْءُ

الْوَاسِعُ. تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ
رَحْبَةٌ. الْأَزْهَرِيُّ: ذَهَبَ الْفَرَاءُ إِلَيَّ
أَنَّهُ يُقَالُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ بِلَادٌ رَحْبَةٌ،
كَمَا يُقَالُ: بَلَدٌ سَهْلٌ وَ بِلَادٌ سَهْلَةٌ.
وَ قَدْ رَحِبْتُ تَرَحُّبٌ وَ رَحِبَ يَرَحِبُ
رُحْبًا وَ رَحَابَةً وَ رَحِبْتُ رَحْبًا. قَالَ
الْأَزْهَرِيُّ: وَ أَرَحِبْتُ، لُغَةٌ بِذَلِكَ
الْمَعْنَى. وَ قِدْرٌ رُحَابٌ أَيٌ وَاسِعَةٌ...
ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ: وَ الرَّحْبَةُ: مَا اتَّسَعَ
مِنَ الْأَرْضِ، وَ جَمَعُهَا رُحَبٌ، مِثْلُ

قَرِيَّةٌ وَ قُرْيٌ. « - إِلَيَّ أَنْ قَالَ صَاحِبُ

لِسَانِ الْعَرَبِ:

و رَحْبَةُ الْمَسْجِدِ وَ الدَّارِ، بِالتَّحْرِيكِ:

سَاحَتُهُمَا وَ مُتَّسَعُهُمَا. قَالَ

سَيَبَوِيهِ: رَحْبَةٌ وَ رِحَابٌ كَرَقْبَةٍ وَ

رِقَابٍ وَ رَحَبٌ وَ رَحَابَاتٌ.

الْأَزْهَرِيُّ: قَالَ الْفَرَّاءُ: يُقَالُ لِلصَّخْرَاءِ

بَيْنَ أَفْنِيَةِ الْقَوْمِ وَ الْمَسْجِدِ: رَحْبَةٌ وَ

رَحْبَةٌ. وَ سُمِّيَتْ الرَّحْبَةُ رَحْبَةً

لِسَعَتِهَا. بِمَا رَحُبَتْ أَيُّ بِمَا اتَّسَعَتْ.

يُقَالُ: مَنْزِلٌ رَحِيبٌ وَرَحْبٌ.

و در «صَاحِبِ اللُّغَةِ» گوید: الرَّحْبُ

بِالضَّمِّ: السَّعَةُ؛ تَقُولُ مِنْهُ: فُلَانٌ

رُحْبٌ الصَّدْرِ. وَ الرَّحْبُ بِالْفَتْحِ:

الْوَاسِعُ، تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ

رَحْبَةٌ؛ وَ قَدْ رَحُبْتَ بِالضَّمِّ تَرَحَّبٌ

رُحْبًا وَ رَحَابَةً. وَ قَوْلُهُمْ: مَرَحَبًا وَ

أَهْلًا أَيُّ أَتَيْتَ سَعَةً وَ أَتَيْتَ أَهْلًا

فَاسْتَأْنَسَ وَ لَاتَسْتَوْحِشْ. وَ قَدْ

رَحَبَ بِهِ تَرْحِيًّا، إِذَا قَالَ لَهُ:
مَرْحَبًا...

وَقَدْرُ رُحَابٍ أَيْ وَاسِعَةٌ. وَ الرَّحْبِيُّ:
أَعْرَضُ الْأَضْلَاعِ، وَ إِنَّمَا يَكُونُ النَّاجِزُ
فِي الرَّحْبِيِّينَ وَ هُمَا مَرْجِعُ
الْمِرْفَقَيْنِ، وَ هُوَ أَيْضًا سِمَةٌ فِي
جَنْبِ الْبَعِيرِ. وَ الرَّحِيبُ: الْأَكُولُ. وَ
فُلَانٌ رَحِيبٌ الصَّدْرِ أَيْ وَاسِعُ الصَّدْرِ.
وَ رَحَائِبُ الثُّخُومِ: سَعَةٌ أَقْطَارِ
الْأَرْضِ. وَ رَحِبَتِ الدَّارُ وَ أَرْحَبَتْ

بِمَعْنِي، أَي اتَّسَعَتْ. - إِلَيَّ آخِرِ مَا
أَفَادَهُ.

و مشابه آنچه گفته شد در «تاج
العروس» آمده است. و محصل از
آنچه ذکر شد آنکه: این توهّم فقط
و فقط از نگذاردن يك نقطه «رَجَب»
بوجود آمده است. و بما ذَكَرْنَا كَلَّه
عرفتَ أَنَّهُ تَوْهَمٌ بِلَا مَوْرِدٍ؛ فَلَا تَغْفُلْ.
و **سابعاً**: از آنچه اخیراً در معنی
رحب ذکر شد معلوم شد

که: **رُحْب** به معنی سَعَة است
و **رَحْب** به معنی واسع؛ و روایت
شریفه بر فرض صَحَّتِ وارد شدن
آن با حاء مهمله و بدون نقطه،
باید **رُحْب** بالضمّ باشد
نه **رَحْب** بالفتح؛ و چون در نسخه
«کافی» مطبوع مرحوم
شیخ، **رَحْب** بالفتح نوشته شده
است و فتحة روی راء مشهود
است، بنابراین متعیّن حذف نقطه

است از جیم معجمه نه به غلط
ضمّه را فتحه قرار دادن.

افضلیّت زیارت

مشاهد مشرفه در ماه رجب

و علّت آنکه حضرت جواد
علیه السّلام ماه رجب را معین
می‌کنند، مضافاً إلی ما ذکرناه آنکه
زیارت همه ائمه علیهم السّلام در

ماه رجب مستحب است و حائز
فضیلت بیشتری از سایر شهرور
است؛ کما آنکه در «إقبال» در باب
أعمال رجب، ص 631 راجع به
استحباب زیارت هر يك از مشاهد
مشرّفه در ماه رجب
میفرماید: رَوَيْنَاهَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى
جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ (ره)
فِيمَا ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:
حَدَّثَنِي جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْلَانَا

يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ: زُرْ أَيَّ الْمَشَاهِدِ كُنْتَ
بِحَضْرَتِهَا فِي رَجَبٍ، تَقُولُ: الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ
فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ
مَا قَدْ وَجَبَ - تا آخر زیارت شریفه
وارده.

نصّ بر استحباب زیارت حضرت ثامن
الحُجَّجِ عَلَيْهِ السَّلَامِ در شهر رجب،
فقط در این روایت است و روایتی

دیگر نداریم. امّا چون این روایت
سندش قوی است، لهذا کافی
است برای عقد باب استحباب
زیارت آن حضرت در ماه رجب.

پادشاهی مترتبه بر

زیارت حضرت ثامن الحجج

علیه السلام

و أمّا روایات در فضیلت زیارت
آنحضرت بطور مطلق، بسیار است.
در بعضی وعدهٔ بهشت داده شده
است، و در بعضی عدل شهادت
شهدای بدر بشمار آمده است، و
در بعضی ثواب هزار حجّ و هزار
هزار حجّ بر آن مترتب گردیده
است.

جعفر بن محمد بن قولویه روایت
میکند از حسن بن عبدالله از پدرش

عبدالله بن محمد بن عیسی از

داود صَرْمِيّ [7] از أبوجعفر

ثانی (امام محمد تقی)

علیه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ. [78]

«داود صرمی گفت: شنیدم که

حضرت می‌گفت: کسیکه قبر پدرم

را زیارت کند پس جزای وی بهشت

است.»

و أيضاً روایت میکند از پدرش از
سعد از ابراهیم بن ریّان [8] که
گفت: حدیث کرد برای من یحیی
بن الحسنِ الحسینیّ که او گفت:
حدیث کرد برای من علیّ بن
عبدالله بن قُطرب از
حضرت ابوالحسن
موسی علیه السلام:

قَالَ: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَ هُوَ شَابٌّ حَدَّثَ وَ
بَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ؛ فَقَالَ: إِنَّ

ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرَبَةٍ.
فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ
كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَشْهَدَاءِ

بَدْرِ. [9]

«ابن قطرب میگوید: در حضور
حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام که پسرانش مجتمع
بودند، پسرش علی که نوجوانی
بود عبور کرد. حضرت فرمود: این
پسر در زمین غربت می‌میرد.

پس کسیکه تسلیم امر ولایت و
امامت او باشد و به حقّ او عارف و
شناسا باشد، اگر او را زیارت کند
ثواب او در نزد خداوند عزّوجلّ
مانند شهیدان
غزوه
بدر می‌باشد.»

و أيضاً روایت میکند از پدرش، و از
محمد بن یعقوب، از علی بن
ابراهیم از حمدان بن إسحاق که
گفت: از حضرت ابا

جعفر عليه السلام شنیدم، و یا
آنکه برای من از مردی از ابا جعفر
علیه السلام حکایت کرد - و شكّ از
علی بن ابراهیم است - که حضرت
أبا جعفر علیه السلام گفت:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

قَالَ: فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ

أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ. فَقَالَ لِي [قَالَ - ظ]

أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ

أَبِي يَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ
ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنِي لَهُ مِنْبَرًا
بِحِذَاءِ مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ.
فَرَأَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ
زَارَ فَقَالَ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْمِنْبَرَ. [10]

«کسیکه قبر پدرم را در طوس
زیارت نماید، خداوند گناهان
گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

حَمْدان بن إِسْحاق یا آن مرد دیگر
میگوید: من پس از ملاقات و دیدار
حضرت أبوجعفر امام جواد
علیه السّلام حجّ بیت الله الحرام را
بجای آوردم، و در حجّ با أيّوب بن
نوح برخورد و ملاقات نمودم. او به
من گفت: حضرت أبوجعفر
علیه السّلام فرموده است: کسیکه
قبر پدر مرا در طوس زیارت کند،
تمام گناهان گذشته و آینده اش

آمرزیده می‌شود و خداوند در روز
قیامت در صحرای حشر برای او
منبری می‌سازد در مقابل منبر
رسول اکرم صلی‌الله علیه وآله و
علیّ علیه‌السّلام تا اینکه خداوند
از حساب خلائق فارغ گردد.

من پس از این جریان، ایّوب بن نوح
را دیدار کردم درحالیکه زیارت قبر
حضرت علیّ بن موسی الرضا
علیهماالسّلام را انجام داده بود و

گفت: من آمدم تا اینکه آن منبر
موجود را به دست آورم.»

و ایضاً روایت میکند از محمد بن

حسن از محمد بن حسن صفار از

أحمد ابن محمد بن عیسی از

أحمد بن محمد بن أبي نصر

بَزَنْطِيٍّ؛ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي

الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أُبْلِغُ

شِيعَتِي: إِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ

أَلْفَ حَجَّةٍ.

قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: أَلْفَ حَجَّةٍ؟! قَالَ: إِي وَاللَّهِ!
وَ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا
بِحَقِّهِ. [11]

«میگوید: من در کتاب حضرت امام
أبو الحسن الرضا عليه السلام
خواندم: به شیعیان من برسانید
که: زیارت من در نزد خداوند معادل
با هزار مرتبه حج بیت الله الحرام را
انجام دادن است.»

بَزَنْطِي ميگويد: من از روي تَعَجَّب
به حضرت أبوجعفر امام محمّد تقِيّ
عليه السّلام عرض کردم: هزار
حجّ؟!

فرمود: آري قسم به خدا! و هزار
هزار حجّ براي كسيكه زيارت كند او
را در حاليكه عارف به حقّ وي
باشد.»

باري، با ملاحظه آنچه ذكر شد،
شايد بدست آيد سرّ استحباب

زیارت حضرت ثامن الائمه
علیه السلام در ماه رجب المرجب، و
ارتباط قویم آن زیارت با زیارت
بیت الله الحرام. چرا که شهر رجب
از ماههای حرام است که تک
افتاده است، به خلاف ذوالقعدة
الحرام و ذوالحجة الحرام و محرّم
الحرام که این سه ماه، متوالی و
پی در پی اند؛ و در ماه رجب جنگ
حرام است، و دارای اعتبار و

خصوصیاتی است که آنرا از سایر ماهها متمایز میگرداند؛ و شهرالله است؛ و برای بسیاری از سالکان راه خدا، در ماه رجب فتح باب می‌شود. ولادت امیرالمومنین و بعثت رسولالله صلواتُ الله و سلامه علیهما موجب مزید تکریم و تشریف این ماه شده است.

سرّ استحباب زیارت امام رضا علیه السّلام در ماه رجب و رابطه آن با حجّ کعبه بیت الله الحرام

بنابراین هیچیک از اقسام عمره،
چون عمره رجبیه نیست؛ و در
فضیلت، با فضیلت حجّ فقط یک
درجه فرق دارد. و در این روایت
آخر دیدیم زیارت حضرت امام

هشتم برای شیعیان حُلَّص و
عارفان به مقام و منزلت و حقّ او،
ثواب هزار و یا هزار هزار حجّ بر آن
مترتّب است. و ابدأً جای استبعاد
نیست؛ زیرا حیات کعبه به ولایت
است. بنابراین ولایت محور است و
کانون، و کعبه در حکم محیط پرگار
است. نمی‌بینی چگونه مردم دور
کعبه‌ای که علیّ در آن متولّد شده
است دور میزنند و طواف می‌کنند و

خواهي نخواهي طوعاً أو کرهاً
ناچارند تسليم آن حقيقت و
واقعيّت شوند؟!!

همه مسلمين چه شيعه و چه
عامّه بر سر سفره آنحضرت
نشسته‌اند، چرا که بقدري
گسترده است که در برابرش
سفره دگري متصوّر نيست. بلکه
همه عالم از برکات وجودي و از
ولايت تکوينيه و وجوديه آنحضرت

متمتع‌اند. در اینصورت مبادا
استبعاد کنی که چطور می‌شود
ثواب يك زيارت حضرت امام رضا
عليه السلام عارفاً بِحَقِّه، معادل با
ثواب هزار هزار حجّ باشد؟!!

آنجا كعبه ظاهر است و اینجا كعبه
باطن. آنجا تكليف است و اینجا
محبت. آنجا جسم است و اینجا
جان.

رؤیای صادق

درباره ارتباط زیارت آنحضرت با

حج و عمره

باری! اگر بخواهیم در این باره سخن را گسترش دهیم به درازا می‌کشد؛ یک سرش در دست ما و سر دیگرش به لایتناهی می‌رسد. آنوقت باید نه تنها به درازای دنیا بلکه به گسترش عالم برزخ و

مثال، بلکه به وسعت قیامت و
بهشت و دوزخ، و از آن برتر و بالاتر
مطلب را گسترش دهیم. بنابراین
فعلاً صلاح است که به همین
مقدار اکتفا شود، تا نه خامهٔ من
بشکند، و نه شما از خانه و لانه و
دگان آواره شوید! فقط به ذکر يك
رویای صادق که از یکی از
همشیره‌های خود حقیر است

اكتفا نموده، مطلب را خاتمه
میدهیم:

حقیر قبل از تشرّف به نجف اشرف
فقط سه بار به زیارت حضرت
ثامن الائمه علیه السلام مشرّف
شده‌ام؛ و چون مَحَطِّ دروس
تحصیلی ما مطالعه اخبار و احادیث
نبود، نمیدانستم زیارت آنحضرت
ثواب حجّ بیت‌الله را دارد؛

و بالخصوص در ماه رجب زیارت
مخصوصه است. در مدّت اقامت
هفت ساله در نجف هم به احادیث
زیارت حضرت أميرالمومنین و
حضرت سيّدالشّهداء عليهما
السّلام چون محلّ ابتلا بود مراجعه
ميشد؛ ولي به احادیث ثواب
زیارت حضرت امام رضا عليه السّلام
مراجعه نميشد.

در مراجعت از نجف اشرف نیز تا
بیش از يك سال که اشتیاق زیارت
بود توفیق تشرّف دست نداد، تا در
اواسط ماه رجب 1378 هجریه
قمریه با چند تن از دوستان
سلوکی بنا به تقاضا و دعوت آنها
عازم بر تشرّف شدیم، و من تا آن
زمان به گوشم نخورده بود که
زیارت حضرت ثواب حجّ دارد، و نیز
زیارت در ماه رجب را دارای

خصوصیّتی نمیدانستم و سفر ما
در ماه رجب حسب الاتّفاق بود، نه
از روی قصد و انتخاب.

یکی دو روز مانده به موقع حرکت،
حقیر که برای خدا حافظی به دیدار
بزرگان و اقوام و ارحام میرفتم، يك
روز به منزل همشیره كوچك براي
تودیع رفتم؛ وقتی مطّلع شد که
عازم آستان بوسی حضرت ثامن
هستم، گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ!

سُبْحَانَ اللَّهِ! من دیشب تو را در
خواب دیدم که دو جامهٔ إحرام
پوشیده‌ای و عازم بیت‌الله الحرام
می‌باشی!

گفتم: خوب این خواب چه تعجّبی
دارد؟!

گفت: تعبیرش روشن شد که شما
عازم زیارت امام رضا علیه‌السّلام
می‌باشید، زیرا که در روایت وارد
است کسیکه زیارت آنحضرت را بجا

بیاورد کأنه حجّ و عُمره را انجام داده است؛ و شما که عازم این زیارت هستید در عالم رویا ملبّس به لباس احرام بوده و مقصد، بیت‌الله الحرام بوده است.

من هم از این رویا تعجّب نمودم، و به او گفتم: تا بحال من نمیدانستم که زیارت آنحضرت ارتباطی با حجّ و عمره دارد.

اشعار بحرالعلوم در فضیلت کربلا و سائر مشاهد بر کعبه، و عظمت ایتیان صلوة در آنها

بالجمله، این حقیقت را می‌توان از
أشعار سیّد بحرالعلوم استفاده
نمود،

آنجا که کربلا را در مرتبه و درجه،
برتر از کعبه قلمداد نموده است و
سپس در بیت بعد بقیّه مشاهد را

در مرتبه و درجه به منزله کربلا به
شمار آورده است:

أَكْثَرُ مِنْ الصَّلَاةِ فِي

الْمَشَاهِدِ خَيْرِ الْبِقَاعِ

أَفْضَلِ الْمَعَابِدِ (1)

لِفَضْلِهَا اخْتِيرَتْ لِمَنْ لِمَنْ بِهِنَّ

حَلُّ ثُمَّ بِمَنْ قَدْ حَلَّهَا سَمَا

الْمَحَلُّ (2)

وَ السِّرُّ فِي فَضْلِ صَلَاةِ

الْمَسْجِدِ قَبْرٌ لِمَعْصُومٍ بِهِ

مُسْتَشْهَدٍ (3)

بِرَشَّةٍ مِنْ دَمِهِ

مُطَهَّرَةً ط

هَرَّهَاللَّهُ لِعَبْدٍ ذَكَرَهُ (4)

وَ هِيَ بِيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ

بِأَنْ تُرْفَعَ حَتَّى يُذْكَرَ

اسْمُهُ الْحَسَنُ (5)

وَ مِنْ حَدِيثِ كَرَبَلَا وَ

الْكَعْبَةِ لِكَرَبَلَا

بَانَ عَلُوُّ الرُّتْبَةِ (6)

وَ غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ

الْمَشَاهِدِ أَمْثَالُهَا

بِالنَّقْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ (7)

فَأَدَّ فِي جَمِيعِهَا الْمُفْتَرِضَا وَ

النَّفْلَ وَ اقْضِ مَا عَلَيْكَ مِنْ قَضَا (8)

وَ رَاعٍ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ

الرَّمْسِ وَ عَائِرِ

الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ (9)

وَ النَّهْيُ عَنِ التَّقَدُّمِ فِيهَا

أَدَبٌ وَالنَّصُّ فِي حُكْمِ الْمُسَاوَاةِ

اضْطَرَبَ (10)

وَ صَلَّى خَلْفَ الْقَبْرِ

فَالصَّحِيحُ كغَيْرِهِ

فِي نَذْبِهَا صَرِيحٌ (11)

وَ الْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ

الْقُبُورِ وَ غَيْرِهَا

كَالنُّورِ فَوْقَ الطَّوْرِ (12)

فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا

نُدْبٌ وَ قُرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقُ

قَدْ طَلِبَ (13)

وَ الْإِتِّخَاذُ قِبَلَهُ وَ إِنْ

مُنِعَ فَلَيْسَ بِالِدَّافِعِ إِذْنًا

قَدْ سُمِعَ (14) [13]

1 - نماز را در مشاهد مشرفه زیاد بجای آور، که آنجاها بهترین نقاط روی زمین است، و با فضیلت‌ترین معبدهای خداوند است.

2 - به جهت فضیلت داشتن آن خاک است که برگزیده شده است تا قبر امامی باشد که در آن مدفون گشته است. سپس همین محلّ بواسطهٔ حلول امام در آن شرافت دیگری پیدا کرده است (یعنی اولاً

خودش لیاقت داشته که خاک قبر
امام گردد، ثانیاً با قبر امام شدن
فضیلت دیگری پیدا نموده

است). [14]

3 - و علّت آنکه نمازگزاردن در
مسجد فضیلت دارد، وجود قبر
معصومی است که در آنجا به
درجۀ رفیعۀ شهادت رسیده است.

4 - خداوند به برکت تراوش قطره‌ای
پاك و پاکیزه شده از خون آن

شهید، آن محلّ را پاك قرار داده
است براي بندهاي که یاد خدا کند.

5 - مشاهد مشرفه خانه‌هاي

هستند که خداوند اجازه فرموده

است تا بالاروند و رفيع‌القدر و

عالي‌الرتبه باشند تا اينکه اسم

مبارك خداوند که نیکو و حسن

است در آنها برده شود.

6 - و از حديثي که درباره کربلا و

درباره کعبه وارد شده است، برتري

و علوّ رتبهٔ کربلا نسبت به کعبه

روشن و واضح شده است. [15]

7 - و غیر از کربلا بقیّهٔ مشاهد

مشرّفهٔ دیگر هم در مقام و مرتبت،

در حکم کربلا میباشند؛ و برای این

مطلب شواهدی از علوم نقلیه در

دست داریم.

8 - بنابراین، تو جمیع نمازهای

واجب و نوافل خود را در آن مشاهد

بگزار، و نمازهاي قضايـت را

همچنين در آنجا انجام بده!

9 - و در آن مشاهد مراعات كن كه

هرچه ميتواني به قبر مبارك نزديك

باشي؛ و نماز خواندن در نزد سر

امام را بر سائر جاها برگزين!

10 - و نهي شرعي كه از خواندن

نماز جلوتر از قبر امام وارد شده

است، نهي ادبي و تنزيهي است،

نه نهي تحريمي؛ و نصّي كه درباره

نماز خواندن محاذي و مساوي قبر
معصوم وارد است، در متنش
اضطراب دارد؛ و استفاده حرمت از
آن نمي‌شود.

11 - و نماز بخوان در پشت قبر
(بطوريكه قبر را قبله خود قرار
دهي) زيرا اخبار وارده صحيحه و
غيرصحيحه در استحباب آن
صراحت دارد.

12 - و فرق میان این قبور مطهره
(که در آنجاها نمازگزاردن استحباب
اکید دارد) و میان غیر این قبور (که
در آنجاها نمازگزاردن کراهت دارد)
مانند قطعه نوري است که بر فراز
کوهي میدرخشد و خودش را
نشان میدهد. (دیگر جای شبهه
نیست.)

13 - بنابراین، شتافتن برای نماز
خواندن در نزدیکی این قبور مطهره

مندوب و مستحبّ است؛ و هرچه
نزدیکتر بودن به قبر، و بلکه
چسبیدن به آن نیز مطلوب و
ممدوح است.

14 - و قبر مردگان را در وقت نماز،
قبله خود قرار دادن اگرچه مورد
نهی و منع واقع شده است؛
ولیکن این عمومات و اطلاقات
نمی‌تواند اذنی را که درباره

خصوص معصومین وارد شده است
از میان بردارد.

حضرت آقای حاج سید هاشم پس
از زیارت و طواف اگر به راحتی در
بالای سر مطهر جا برای نماز بود،
آنجا نماز می‌گزاردند؛ و گرنه هر
جای حرم که جا بود و مزاحم
کسی نبود به آنجا میرفتند؛ و این
رویه آنحضرت بود در همه مشاهد

مشرفه مثل نجف و كربلا و
كاظمين و سامراء.

1. «بحار الانوار» طبع

كمپاني، جلد 22، كتاب المزار، ص

225، و ص 226

2. «بحار الانوار» طبع

كمپاني، جلد 22، كتاب المزار، ص

225، و ص 226

3. «تحفة الزائر» طبع سنڱي، ص

402

4. «هدية الزائرین» طبع سنڱي،

ص 238

5. «كامل الزيارات» ص 305 و 306

6. «وسائل الشيعة» طبع امير

بهادر، ج 2، ص 410

7. علامه شيخ عبدالحسين أميني

رحمة الله عليه در تعليقه دارد

كه: الصّرْمِيُّ بفتح الصّاد الْمُهْمَلَةِ و

قيل بكسرهما وبعدها راء ساكنة،
يُنسبُ إلي بني صَرمَةَ بنِ كثيرٍ:
بَطْنٌ مِنْ عُدْرَةَ بنِ زَيْدِ اللاتِ مِنْ
الْقَحْطَانِيَّةِ؛ أو إلي صَرمَةَ بنِ مرّة:
حيٌّ مِنْ ذُبْيَانَ. و داود هذا هو داؤد
بنُ مافِئَةَ الصَّرْمِيِّ بقرينة أحمد بن
عيسى، لا داؤد الصَّرْمِيُّ الَّذِي مِنْ
أصحاب الهادي عليه السلام يروي
عنه أحمد بن أبي عبد الله؛ و قد
ذهبَ بعضُ إلي اتِّحَادِهِمَا.

8. «کامل الزّیارات»، باب 101، ص

303

9. در نسخه «بحار» (ج 22، ص

226 از طبع کمپانی و ج 102 ص

41 از طبع حیدری) ابراهیم بن

الزّیّات ضبط نموده است. (م)

10. «کامل الزّیارات»، باب 101، ص

304 و 305

11. «کامل الزّیارات» باب 101، ص

305

12. همان مصدر، ص 306

13. منظومه علامه سید مهدی

بحرالعلوم معروف به «الدُّرَّة

النَّجْفِيَّة»

14. بنابراین ضمیر اختیرت به

همان بقاع و مشاهد برمیگردد نه

به نماز، و لام اوّل برای تعلیل و لام

دوم برای اختصاص خواهد بود. و

چون ما این ابیات را در ص 225 از

جلد یازدهم «امام شناسی» از

دورهٔ علوم و معارف اسلام آورده‌ایم
و به گونه‌ای معنی نموده‌ایم که
ضمیر اختیرت به نماز برمیگردد،
اینک باید آن ترجمه اصلاح گردد و
این ترجمه بجای آن بنشیند.

15. آیه الله محقق سیّد محمود

طباطبائی (قدّه) در کتاب

«المَوَاهِبُ السَّنِّيَّةُ فِي شَرْحِ الدَّرَّةِ

الغَرَوِيَّةِ» که از علامه سیّد مهدی

بحرالعلوم می‌باشد در ج 5، ص

215 در شرح این بیت سید (ره)

فرموده است:

فَفِي خَبَرِ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ عَن

أَبِيهِ عَن أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ كَرْبَلَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ

الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةِ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَ

قَدَّسَهَا وَ بَارَكَ عَلَيْهَا فَمَا زَالَتْ قَبْلَ

أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً

مُبَارَكَةً لَا تَزَالُ كَذَلِكَ جَعَلَهَا اللَّهُ

أَفْضَلَ الْأَرْضِ فِي الْجَنَّةِ.

و يُمَكِّنُ الْإِسْتِنَادُ فِي ذَلِكَ إِلَى
الْأَخْبَارِ الْوَارِدَةِ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيَّ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ
مِرَارًا مَعَ أَنَّ فِيهِمَا الطَّوَّافَ بِالْبَيْتِ وَ
زِيَارَتَهُ.. تَأْخِرُ شَرْحَ طَوِيلِي كَه
إِفَادِهِ نَمُودِهِ اسْت.